



The University of Tehran Press

Social Capital Management

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Online ISSN: 2423-6233

Education as a social capital in the postmodern era

Esmat Rasouli^{1*} | Jalal Delghandi² | Hossein Khanifar³ | Ladan Salimi⁴

1. Corresponding Author, Department of Educational Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University Sari Branch, Sari, Iran. Email: Esmatrasouli@yahoo.com

2. Department of Educational Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University Sari Branch, Sari, Iran. Email: Jalaldelghandi77@gmail.com

3. Department of Regional Management and Public Affairs, Farabi College, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Khanifar@ut.ac.ir

4. Department of Educational Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University Sari Branch, Sari, Iran. Email: Ladan.salimi@iau.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received June 12, 2023

Revised July 03, 2023

Accepted July 04, 2023

Published online 09 March 2024

Keywords:

Education,
Postmodern,
social capital.

ABSTRACT

The above research aimed to investigate education as a social capital in the postmodern era. The above study has been compiled from a library and based on domestic and foreign articles and references. The results of the above research show that since postmodernism has a critical view of the problems and dead ends of modernity, it believes that modernity has not been able to respond to many human needs. Especially from the point of view of education, he has put forward new ideas that have caused the identification of the weaknesses and crises of the modernist educational system, including using the method of deconstructing academic texts, supporting localism and regionalization in the educational system, paying attention to another element in education. Special attention has been given to critique and criticism, recommendations for dialogue-oriented education and training, and an emphasis on qualitative research methods in the field of humanities and educational sciences; despite these, the postmodernity movement itself also has criticism and revision. In the end, it can be said that identifying post-modern academic teachings and realizing its strengths and weaknesses can help increase awareness and improve educators' knowledge level to face this way of thinking.

Cite this article: Rasouli, E.; Delghandi, J.; Khanifar, H. & Salimi, L. (2024). Education as a social capital in the postmodern era. *Social Capital Management*. 11 (1), 103-113. Doi: <http://doi.org/10.22059/jscm.2023.360186.2423>



© Esmat Rasouli, Jalal Delghandi, Hossein Khanifar, Ladan Salimi. **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2023.360186.2423>



انتشارات دانشگاه تهران

مدیریت سرمایه اجتماعی

سایت نشریه: <https://jscm.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

تربیت به منزله یک سرمایه اجتماعی در پسامدرن

عصمت رسولی^{۱*} | جلال دلقندی^۲ | حسین خنیفر^۳ | لادن سلیمی^۴

۱. نویسنده مسئول، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Esmatrasoli@yahoo.com

۲. گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Jalaladelghandi77@gmail.com

۳. گروه مدیریت امور منطقه‌ای و امور عمومی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Khanifar@ut.ac.ir

۴. گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. رایانامه: Ladan.salimi@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

هدف از پژوهش حاضر بررسی تربیت به مثابه یک سرمایه اجتماعی در پسامدرن است. این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و مبتنی بر مقالات و رفرنس‌های داخلی و خارجی است. نتایج پژوهش بیانگر این مطلب است که پسامدرنیسم از آنجا که دیدگاهی منتقدانه در برابر معضلات و بن‌بست‌های مدرنیته دارد معتقد است مدرنیته قادر به پاسخگویی به بسیاری از نیازهای بشری نمی‌باشد و از دیدگاه تربیتی ایده‌های جدیدی را مطرح کرده که باعث تشخیص ضعف‌ها و بحران‌های نظام آموزشی مدرنیسم شده است؛ از جمله بهره‌گیری از روش ساختارزدایی متون آموزشی، حمایت از محلی‌گرایی و منطقه‌ای شدن در نظام آموزشی، توجه به عنصر دیگری در تعلیم و تربیت، توجه خاص به نقد و انتقاد، توصیه به آموزش و پرورش گفت‌وگومحور، تأکید بر روش‌های کیفی تحقیق در زمینه علوم انسانی و علوم تربیتی محل نقد و انتقاد و بازنگری می‌باشد. در نهایت می‌توان گفت شناسایی آموزه‌های تربیتی پست‌مدرن و پی بردن به نقاط قوت و ضعف آن می‌تواند به افزایش آگاهی و ارتقای سطح دانش مربیان و متربیان برای مواجهه با این نحله فکری کمک کند.

کلیدواژه:

تعلیم و تربیت،

پسامدرن،

سرمایه اجتماعی.

استناد: رسولی، عصمت؛ دلقندی، جلال؛ خنیفر، حسین و سلیمی، لادن (۱۴۰۳). تربیت به منزله یک سرمایه اجتماعی در پسامدرن. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۱ (۱) ۱۱۳-۱۰۳. DOI: [10.22059/jscm.2023.360186.2423](https://doi.org/10.22059/jscm.2023.360186.2423)

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© عصمت رسولی، جلال دلقندی، حسین خنیفر، لادن سلیمی.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2023.360186.2423>



مقدمه

در عصر کنونی و در پی تحولات عظیم در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شرایط شهروندی مبتنی بر ملتی واحد در حال افول و فرسایش تدریجی است؛ به گونه‌ای که نوع جدیدی از شهروندی در حال ظهور است که حداقل به همان اندازه که شهروندی در قالب دولت-ملت (شهروندی مدرن) در مقایسه با شهروندی سنتی بدیع و تازه بود این نوع شهروندی که «شهروندی جهانی» نام‌گذاری شده نیز نو و جدید است. نظریه شهروند جهانی بر این تأکید دارد که می‌توان برای افراد به عنوان شهروند جهانی حقوق و تعهداتی در سطح جهانی به رسمیت شناخت (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۴۱). به واسطه سرعت و شتاب تغییرات در حوزه‌های مختلف و وابسته شدن سرنوشت افراد و سازمان و حکومت‌ها به یک‌دیگر، ضروری است آموزش‌های شهروندی جهانی مناسب با مأموریت و اهداف کلان آموزش و پرورش در برنامه‌های درسی جای گیرد و ساختار و اهداف و محتوای آموزشی مناسب با این تغییرات بازنگری شود (کشاوری، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

بیان مسئله

پسامدرن جریانی است برآمده از دل مدرنیته و تلاشی است برای یافتن پاسخ‌هایی جهت حل معضلات مدرنیته و خروج از بن‌بست‌های مدرنیسم. به عبارت دیگر، شناخت مدرنیسم برای شناخت پست‌مدرن ضروری است و در پرسش‌های بنیادین و فلسفی نمی‌توان آن‌ها را از یک‌دیگر جدا دانست. با این حال، نمی‌توان آن را گسست یا انقطاع از مدرنیته یا اعتراض و نفی آن دانست؛ همچنان که نباید آن را تداوم و مکمل پروژه مدرنیته محسوب کرد. پست‌مدرنیسم نمادی است برآمده از دل بحران‌های متعدد که مدرنیته در فرایند تکامل و تحول خود با آن‌ها روبه‌رو بوده است. بنابراین، پست‌مدرنیته تلاشی ریشه‌دار در دل مدرنیته برای یافتن راه خروج از بحران‌ها و ایجاد مرکزیتی جدید است (ابراهیم‌خانی و عجم، ۱۴۰۱: ۴۸۳).

در جامعه پسامدرن معاصر، صاحبان قدرت بخش سازمان‌یافته جامعه را کنترل می‌کنند و بر احزاب مهم سیاسی مسلط هستند و پیام‌های الکترونیکی رسانه‌های گروهی را تنظیم می‌کنند (گوتک و پاک‌سرشت، ۱۳۹۶: ۴۸۴). به عبارت دیگر، مریان انتقادی مدارس را در خدمت طبقات اجتماعی حاکم می‌داند و قصد دارند دانش‌آموزان را تبدیل به طفیلی‌های بی‌اندیشه کنند. به همین دلیل، به نظر مخالفان این نظریه تعلیم و تربیت انتقادی روی دیگر اندیشه پسانوگرایی است که تهدیدی برای بنیان‌های تعلیم و تربیت محسوب می‌شود (میرلوحی، ۱۳۷۶: ۲۸). در مباحث تربیتی، بیشتر بحران‌زدگی تعلیم و تربیت مدرن را تبیین می‌کند و در این جهت نیز جنبه صرفاً سلبی دارد. البته، انتقاد پست‌مدرنیست‌ها به تعلیم و تربیت مدرن محدود نمانده است و هر گونه تعلیم و تربیت نظام‌مند و مبتنی بر باورهای یقینی و ارزش‌های ثابت ناشی از این باورها را به چالش می‌کشد. نگاه پست‌مدرنیست‌ها مطالعه و فهم معضلات نظام‌های تربیتی موجود و جایگزین کردن آن‌ها با تعلیم و تربیتی است که در آن هیچ‌گونه نظام‌مندی و فراروایت و تعریف عینی نه ارائه می‌شود نه مورد قبول واقع می‌شود (فرم‌هینی فرهانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵ - ۱۲۶). با عنایت به موارد مطرح‌شده، از آنجا که انسان به عنوان موجودی چندبعدی دارای نیازها و گرایش‌ها و علایق مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و فردی است، انتظار می‌رود نظام آموزشی توجه هم‌سنگ و متوازی به همه این ابعاد داشته باشد. تربیت دینی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و جسمانی، هنری و زیباشناختی، اقتصادی و در نهایت علمی و فناوری ساحت‌های مختلف تربیتی هستند که ضرورت دارد در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به آن‌ها توجه شود. با این وصف، شناخت دیدگاه و آرای صاحب‌نظران و اندیشمندان مکاتب مختلف فلسفی و کشف برترین نظریه‌ها مطابق با فرهنگ بومی و ملی و اسلامی که شایسته تربیت اجتماعی نوجوانان و جوانان ایرانی باشد این سؤال اصلی را مطرح می‌کند که نقش تربیت به عنوان یک سرمایه اجتماعی در پسامدرن چیست؟

مبانی نظری

پست‌مدرنیست

در کنار دلوژ، باید دریدا را دیگر شخصیت برجسته در زمینه بحث از تفاوت در دوره پست‌مدرن دانست. او در فلسفه‌اش مفهوم «تفاوت» را به یکی از محوری‌ترین مفاهیم از حیث هستی‌شناسی بدل کرد. او نشان داد «تفاوت» درون «فردیت» نیز وجود

دارد و نمی‌توان از نوعی همگنی درون فرد سخن گفت. هیچ چیزی نیست که فردی باشد و با خود یکی باشد. هیچ فرد خاصی جدا از مناسباتش با دیگران وجود ندارد. فردیت نه با حضور بلکه با تفاوت آغاز می‌شود (لوسی، ۱۳۹۹: ۸۳).

مبانی هستی‌شناسی پست‌مدرن

در آثار متفکران پست‌مدرن راجع به مبانی هستی‌شناسی نه‌تنها هیچ‌گونه بحث اثباتی وجود ندارد، بلکه آنان با این‌گونه بحث‌ها کاملاً مخالف هستند. نه‌تنها مباحث هستی‌شناسی برای آنان مطرح نبوده، بلکه عبور از بحث‌های متافیزیکی از مبانی این اندیشه به حساب می‌آید.

الف) واقعیت به مثابه یک امر بر ساخته و نه عینی: از نگاه پست‌مدرنیست‌ها، همه موجودات دارای هویت‌های بر ساخته و دائم در حال دگرگونی هستند؛ به گونه‌ای که هیچ‌گونه هویت ثابت برای آن‌ها وجود ندارد. زیرا، اساساً حقیقت یک امر ساختنی است، نه کشف‌کردنی. به همین دلیل، در اندیشه فلسفی پست‌مدرن علیت، ضرورت، و کلیت فلسفی جای خود را به شانس، تصادف، اقبال، و غیره می‌دهد (فرم‌هینی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در همین ارتباط، ریچارد رورتی^۱ معتقد است که مشکلات اصلی فلسفه مدرن عینیت‌گرایی و واقع‌گرایی است و برای اینکه بر مشکلات فلسفی موجود فائق آییم باید از هر گونه اعتقاد به واقعیت عینی، که باید مکشوف واقع شود، دست برداشت و تفسیر خود را از واقعیت به امر گسسته و بی‌ثبات تغییر داد.

ب) کثرت‌گرایی: نفی واقعیت‌های ثابت و مطلق و ماقبل تجربی به معنای اعتقاد به کثرت‌گرایی در حوزه هستی‌شناسی است. از این رو، کثرت‌گرایی در حوزه‌های گوناگون، از جمله در حوزه هستی‌شناسی، از مهم‌ترین مبانی فلسفی پست‌مدرن به حساب می‌آید.

ج) ماده‌گرایی: پست‌مدرنیسم انسان را محور و منشأ همه حقایق و معرفت‌ها و ارزش‌ها می‌پندارد و اعتقاد به حقایق ماورایی و متافیزیکی را نمی‌پذیرد. در این مکتب، سخن گفتن از وجود مجرد و ازلی و ابدی خداوند متعال یا موجودات ثابت و مجرد دیگر به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. در نظر پست‌مدرنیسم، آنچه در عالم وجود دارد اشیای محسوس و قابل لمس است که دارای حقایق محلی و بر ساخته جامعه است (پور شافعی و آراین، ۱۳۸۸: ۲۵).

د) فلسفه اصالت زبانی: هر چند پست‌مدرنیسم فلسفه تحلیلی را به این دلیل که مجذوب اثبات‌گرایی و عینیت‌گرایی است مردود می‌داند، به پیروی از روش این مکتب فلسفی، در بحث‌های نظری و تربیتی برای زبان بیشترین اهمیت را قائل است. زبان برای پست‌مدرنیست‌ها به اندازه‌ای مهم است که می‌توان گفت جایگاه عقل در مدرنیسم را دارد. زیرا، با توجه به عدول پست‌مدرنیست‌ها از عینیت‌گرایی به ذهنیت متقابل، اندیشه و ذهنیت انسان و در نتیجه ارزش‌های اخلاقی و تربیتی بر حسب زبان شکل می‌گیرند و بیان می‌شوند. زبان به این معنا از حد ابزار ارتباط خارج می‌شود و صرفاً یک وسیله ارتباطی نیست؛ بلکه زبان اصولاً «همه چیز» است. زیرا با زبان ذهنیت می‌یابیم، با زبان فکر می‌کنیم، و با زبان ارزش‌ها را مشخص و به یک‌دیگر منتقل می‌کنیم. به همین دلیل، روابط انسانی کاملاً با زبان آمیخته است.

پیشینه تجربی پژوهش

ابراهیم‌خانی و عجم (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «نقد و تحلیل مؤلفه‌های معرفت‌شناسی مکتب پست‌مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن در آموزش و پرورش» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد از منظر پست‌مدرنیسم‌ها معرفت امری نسبی و حاصل هدفی از پیش تعیین شده و انعطاف‌پذیر و تحمیلی نیست، بلکه از تجارب واقعی محصلان عینیت می‌گیرد و با مشارکت معلم و دانش‌آموز طراحی می‌شود؛ که ضمن عدم توجه به مدل‌ها و روش‌های کلی، با استفاده از روش‌های تفاوت فردی و انفرادی کردن آموزش، با توجه به موقعیت و شرایط افراد یادگیری به عنوان یک جریان فعال و مداوم تعیین می‌شود. جریان یادگیری به عنوان جریان فعال و مداوم تعیین می‌شود. با توجه به اینکه در اندیشه پست‌مدرنیسم اهداف آموزشی و مواد برنامه درسی ضمن گفت‌وگو تعیین

می‌شود یا به عبارت دیگر فرایند گفت‌وگو جایگزین مواد درسی است، با سیستم آموزشی کشور ایران، که موضوع‌محور و به صورت متمرکز است، نمی‌تواند منطبق باشد (ابراهیم‌خانی و عجم، ۱۴۰۱: ۴۸۳).

بر اساس تحقیق رهنما و ذوالفقاری (۱۳۹۵)، تأکید بر تفاوت‌های فردی، اندیشیدن و اندیشه‌های انتقادی، نقد ایدئولوژی غالب، یکسان‌سازی و مطلوب‌انگاری وضعیت موجود، و لزوم توجه به برنامه‌های درسی پنهان از یافته‌های پژوهش «بازیابی دلالت‌های تربیتی فلسفه اجتماعی هورکهایمر و آدورنور در تعلیم و تربیت» بوده است (رهنما و ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۴۹). اونتاس و همکارانش (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند که برخی از معلمان از بحث در مورد مفاهیم، تعاریف، و فرایندهای سیاسی و تربیت سیاسی در کلاس‌ها خودداری می‌کنند؛ حال آنکه مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، ملی و بین‌المللی در کلاس درس تأثیرگذار بوده و هست (Ontas et al., 2020).

گوول^۱ (۲۰۲۰) در نتایج تحقیق خود، که با هدف بررسی برداشت‌های استعاره‌ی دانشجو-معلمان دوره ابتدایی در مورد مفهوم مطالعات اجتماعی و آموزش آن انجام داد، به این نتیجه رسید که آموزش مطالعات اجتماعی سهم مهمی در اجتماعی شدن یادگیران دارد. بنابراین معلمان باید درک کافی از مقولات تشکیل‌دهنده همچون نهادهای اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، مهارت‌های زندگی اجتماعی، هویت، و منابع فرهنگی جامعه داشته باشند.

در جوامع دموکراتیک، همچنین، تأکید بر مواردی چون خودمختاری، آزادی فرد، برابری، تکررگرای، و بی‌طرفی است. در مقابل، در تربیت اجتماعی ایدئولوژیک تأکید بر مواردی چون متابعت‌پذیری از منابع قدرت، تقلید و الگوگیری، و انتقال مستقیم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.

نجاتی موسوی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان «نقش فلسفه آموزش و پرورش در تربیت انسان فرهیخته از منظر پست‌مدرنیسم» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد کثرت‌گرایی، اهمیت دادن به دیدگاه‌های دیگران، تقویت روحیه تفکر انتقادی در دانشجویان، تشویق تعلیم و تربیت گفت‌وگو محور و مبتنی بر گفت‌وگو، تأکید بر بردباری و تحمل یک‌دیگر، خلاقیت و خودآفرینی، تعهد اخلاقی، اهمیت احساسات، و همچنین تأکید بر شهود از اصول مورد علاقه نظریه‌پردازان پست‌مدرن برای فرهیختگی در آموزش و پرورش است که دارای مضامین تربیتی مطلوب برای نظام آموزشی کشور ایران نیز هست (نجاتی موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸۱).

مبانی معرفت‌شناختی پست‌مدرن

پست‌مدرنیسم به جای تبیین مبانی فلسفی خویش به نفی مبانی فلسفی دیگر می‌پردازد. از این رو، پست‌مدرنیست‌ها در مباحث معرفت‌شناختی، به جای معرفت‌شناسی، بر جامعه‌شناسی معرفت تأکید دارند و قائل به رابطه تنگاتنگ معرفت و قدرت هستند. به همین دلیل، پست‌مدرنیسم به یک معنا قائل به عبور از معرفت‌شناسی یا دست‌کم فروریزی نظام‌های معرفتی سنتی و جزم‌گراست (Nel nodding, 1995: 72).

روش‌های تربیتی پست‌مدرنیسم

گفت‌وگو و تبادُل نظر: از آنجا که زبان نقش انکارناپذیر در شکل‌دهی هویت‌های شخصی فراگیران دارد، نظریه انتقادی پست‌مدرن بر روش گفت‌وگومانی تأکید دارد. روش تعلیم و تربیت در این دیدگاه بیشتر بر اساس گفت‌وگو و انتقاد است. در این روش، معلمان و دانش‌آموزان از یک‌دیگر می‌آموزند و نقش معلم بیشتر به عنوان یک فرد تسهیلگر است، نه کسی که در آموزش‌های خود اقتدار مطلق داشته باشد. گفت‌وگو به قصد تولید دانش و ارزش و نه کشف یا اثبات آن‌ها صورت می‌گیرد. برای تولید دانش و ارزش، باید فضای مدرسه صحنه مشاجره و مباحثه و ایستادگی در برابر دانش‌ها و ارزش‌های دریافتی باشد. معلمان باید به فراگیران کمک کنند تا آن‌ها بتوانند گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک، که تعلیم و تربیت را در اختیار خود گرفته‌اند، درک کنند و برای رهایی از وضعیت موجود با تکیه بر گفت‌وگو و فرهنگ مشارکتی راهکار اساسی پیدا کنند (اوزمن، ۱۳۸۶: ۴۴۲-۴۴۳). به

علاوه، اینکه گروه‌های مختلف جامعه با پذیرش اختلاف نظر به گفت‌وگو روی می‌آورند بیانگر رابطه‌ای انسانی و همبستگی اجتماعی نیز هست (فرمehنی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

موقعیت‌گرایی به جای نظام‌گرایی: برخلاف سایر مکاتب که الگوهای متعین برای تربیت دارند، رویکرد پست‌مدرن شیوه‌های منظم و منسجم برای تربیت ندارد و در این جهت آموزش‌ها و روش‌های اقتضایی مناسب هر موقعیت را که شدیداً نسبی است توصیه می‌کند. به عقیده آنان، روش آموزش باید به گونه‌ای باشد که اعتماد و اطمینان قبلی به حقیقت ثابت و نظام‌مند را از هم فروپاشاند. مثلاً، درک و تشخیص این مطلب که تاریخ روایتی ساختگی و حقیقت تاریخی امری غیرواقعی است دانش‌آموزان را تشویق می‌کند که درباره ساختارهای تاریخی مخصوص خود بحث و مذاکره کنند.

توجه جدی به آموزش رسانه‌ای: پست‌مدرنیسم در هم‌زیستی و انطباق با عصر رسانه‌هاست. رسانه‌ها بدون وقفه و به طرق گوناگون موجب سرگرمی، آموزش، تربیت، یا انحراف و گمراهی جامعه می‌شوند. امروزه، هیچ‌کس نمی‌تواند تأثیر و نقش رسانه‌ها را برای درک قدرت، که به‌شدت با دانش در هم تنیده شده است، انکار کند. تصاویر موجود بر صفحات رسانه‌های تصویری همان اندازه می‌تواند برای یک کشور تهدیدکننده و خطرناک باشد که ناوگان تسلیحاتی که آن کشور را محاصره کرده است یا هجوم موشک‌هایی که بر سر آن کشور می‌ریزد. تأکیدی که پست‌مدرنیست‌ها درباره تقدم و اولویت تصورات، استعارات، نمادها، و غیره در شکل‌گیری حقیقت و تربیت انسان‌ها دارند ناشی از همین موضوع است. جهان پست‌مدرنیست‌ها به حدی سرشار از اطلاعات رسانه‌ای است و رسانه‌ها برای آنان به اندازه‌ای اهمیت دارد که گفته‌اند فقط کپی‌ها وجود دارد (فرمehنی، ۱۳۸۹: ۲۴).

نقاط قوت نگاه پست‌مدرن به تعلیم و تربیت ارزش‌ها

اندیشه پست‌مدرن و نظام تربیتی برآمده از آن یک سلسله نقاط مثبت دارد که در ضمن بیان آرا و دیدگاه‌های آنان مورد اشاره قرار گرفت و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ترویج روحیه ضد جهانی‌سازی و مبارزه با سلطه فرهنگی غرب؛
 - مبارزه با ایده‌های دگم و جزم‌گرایانه پوزیتیویستی حاکم بر جهان غرب؛
 - عدالت‌طلبی و تأکید بر احقاق حقوق حاشیه‌نشین‌ها؛
 - توجه دادن به خطرات رسانه‌ای، تسلیحاتی، اطلاعاتی، نظامی، محیط زیستی؛
 - تأکید بر پویایی، پیشرفت، انتقاد، خلاقیت، و همگامی نظام‌های تربیتی با تغییرات اجتماعی؛
 - توجه جدی به نقد و گفت‌وگو در کلاس‌های درس و توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران؛
 - تأکید بر تحمل و رواداری نسبت به نظرات مخالف (محسنی، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۴).
- در واقع، پست‌مدرنیسم از آن جهت که کوششی در جهت بازشناسی بن‌بست‌های تعلیم و تربیت مدرن است حرکتی مورد توجه به شمار می‌آید (نجاتی موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸۱).

پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت

پست‌مدرنیسم به همان اندازه که در نگاه فلسفی اجتماعی خود گسترده و در قسمت‌هایی مبهم است در تعلیم و تربیت نیز دیدگاه منسجمی ندارد. ولی با وجود این، می‌توان خطوط کلی تربیت را با توجه به آنچه از دیدگاه متفکران این رویکرد به دست می‌آید ترسیم کرد. از نکات مورد توجه پست‌مدرنیسم در عرصه تعلیم و تربیت ارج نهادن آن‌ها به اقلیت‌های قومی، نژادی، و جنسیتی و همچنین حمایت از تربیت چندفرهنگ‌گرا است (نجاریان و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۱). پست‌مدرنیسم با پذیرش برابری همه فرهنگ‌ها درصدد است به تکرر فرهنگی از طریق تعلیم و تربیت دامن بزند. تعلیم و تربیت آرمانی از نظر پست‌مدرنیست‌ها تعلیم و تربیتی است که تاب تحمل شنیدن صداهای دیگر، به جز صدای فرهنگ مسلط، را داشته باشد. آنچه در نظر پست‌مدرنیست‌ها در تربیت اهمیت دارد بنیان‌های تکررگرایی، گفتمان با تأکید بر تفاوت، و مطالعات تربیتی و صداقت‌دارگر و انتقادی است (فرمehنی، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۳۸). نکته قابل توجه در تربیت در پست‌مدرنیسم این است که نمی‌توان تعریف واحد و یکسان و مشابهی از اصول تربیتی

انسان در جامعه را برای جوامع و کشورهای مختلف تجویز کرد. توجه به پیشینه تربیتی و اجتماعی هر کشور پیش نیاز اصلی شکل دهی فلسفه تربیتی آن جامعه را تشکیل می دهد.

رویکرد تعلیم و تربیت پست مدرنیستی در تربیت انسان

رویکرد تعلیم و تربیت پست مدرنیستی در تربیت انسان فرهیخته تکثرگرایانه است و به تفاوت اهمیت ویژه ای می دهد. تکثرگرایی مد نظر فوکو و دریدا در فرهیختگی جنبه های مختلف دارد. آنان خود را در پذیرش تنوع و اختلافات و تکثرگرایی پیشرو می دانند که شامل جنبه هایی است:

از جنبه های مورد توجه در تکثرگرایی تعلیم و تربیت مبتنی بر اختلاف است. دست کم دو مفهوم برای اختلاف در این زمینه می توان در نظر گرفت. یکی اینکه اختلاف می تواند بخشی از تلاش برای فهم این نکته باشد که چگونه هویت و ذهن فراگیر به روش های متکثر عمل می کند و چگونه اختلافات میان گروه ها گسترش می یابد. جنبه دیگر رویکرد تکثرگرایی به آموزش و پرورش با توجه به دیدگاه فوکو و دریدا نفی هر گونه فرهنگ مسلط در کانون توجه تعلیم و تربیت مدارس است. از نقدهایی که همواره از طرف پست مدرنیست ها، از جمله فوکو و دریدا، به تعلیم و تربیت مدرن وارد شده کلیت گرایی است. فرهنگی که در آموزش و پرورش به آن بها داده می شود فرهنگ نخبگی است. جنبه دیگر کثرت گرایی مد نظر پست مدرنیست ها، به ویژه فوکو و دریدا، این باور است که حق و صدق گرانیگاه مطلق ندارد. کثرت گرایی مطرح شده به وسیله فوکو و دریدا عمدتاً از نوع کثرت گرایی آیینی است؛ بدین مفهوم که ریشه کثرت را در ذات نظام های فکری و سبک های زندگی می بینند و رفع آن را نه توصیه می کنند نه ممکن می دانند. یکی دیگر از آرمان های پست مدرنیسم حمایت از منطقه ای شدن و محلی گرایی است. این آرمان آنان در مقابل شعار مدرنیسم در حمایت از جهانی شدن امور سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی مطرح می شود. پست مدرنیست ها بر این باورند که هدف اصلی جهانی شدن استعمار و استثمار کشورهای فقیر و عقب مانده است. این آرمان پست مدرنیسم نیز از همان ایده آنان مبنی بر توجه به دیگری، احترام به تمایز، و کثرت گرایی فرهنگی ناشی می شود. زیرا تسلط یک کشور یا ملت بر سایر ملل منجر به نادیده گرفتن و ظلم و سرکوب ملل ضعیف می شود. از آنجا که پست مدرنیسم بر شنیدن صدای دیگری بسیار تأکید دارد با تسلط یک فرهنگ بر جامعه مخالف است. زیرا به اعتقاد پیروان این دیدگاه تسلط یک اندیشه و فرهنگ بر جامعه موجب نادیده گرفتن یا سرکوب هواداران اندیشه ها و فرهنگ های دیگر می شود.

تربیت به منزله سرمایه اجتماعی در پست مدرن

آموزش و پرورش در جهان حاضر به عنوان ابزار توسعه نقش کلیدی در رشد و پرورش انسان ها دارد. در عرصه تعلیم و تربیت، پست مدرنیسم بیشتر به بحران های آموزش و پرورش مدرن می پردازد، آن چه در نظر پست مدرنیست ها در تربیت فرهیختگی اهمیت دارد. بنیان های تکثرگرایی، گفتمان با تأکید بر تفاوت، غیریت، مطالعات فرهنگی، ضد اقتدارگرایی و تفکر انتقادی است از ویژگی های پست مدرنیست کثرت گرایی، زبان، شک گرایی درباره روايت ها را می توان نام برد که می تواند از عناصر اساسی آموزش و پرورش محسوب شود. در این مکتب به همه نگرش ها و فرهنگ ها و طبقات با هر اصول تربیتی توجه می شود و هر کس برای خودش ارزش دارد. به حاشیه ها توجه می شود و افراد برابر و یکسان هستند. بر اعتقاد و آزادی افراد و فردیت انسان تأکید می شود.

حال این سؤال به ذهن متبادر می شود که تربیت از نگاه پست مدرن می تواند به عنوان سرمایه اجتماعی در کشور ما ایفای نقش کند؟

همچنین تنوع قومی - نژادی - فرهنگی در کشورهای مختلف از جمله ایران نظام های تربیتی آن ها را به واکنش برمی انگیزد تا پاسخی درخور و شایسته به پدیده تکرار تنوع در جوامع خود بدهند.

مصطفی زاده، (۱۳۹۸) رویکرد احترام به تنوع فرهنگی سبب بهبود رشد شناختی فراگیران - افزایش درک نژادی و قومی آن ها - تقویت حس اجتماعی و مشارکت مدنی آن ها، بهبود حساسیت های فرهنگی فراگیران، افزایش کیفیت عملکرد آن ها، و بهبود

تعامل در کلاس‌های درس شده است. تبیین احترام به تنوع فرهنگی در نظام آموزش و پرورش می‌تواند فرضیه عملکرد بهتر را فراهم کند و عامل کلیدی در توسعه سرمایه انسانی در یک جامعه چندفرهنگی محسوب شود (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۵-۳۰).

آموزش و پرورش و روش تدریس از نظر پست‌مدرنیست‌ها بر گفتمان استوار است. دیگر از مونولوگ (تک‌صدایی) معلم در کلاس درس خبری نیست و هم‌آوایی و چندصدایی دانش‌آموزان با یک‌دیگر و معلم با دانش‌آموزان یعنی تبادل اطلاعات دو طرفه انجام می‌شود. تدریس در این حالت بر اساس گفتمان دو طرفه که از تمرین بیشتر و بازسازی آن صورت می‌پذیرد، شکل می‌گیرد (فرم‌پینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۶۷).

آموزش تفکر انتقادی، کثرت‌گرایی و اهمیت دادن به دیدگاه‌ها و ارزش‌های فرهنگی دیگران، کوشش‌هایی‌بخش از ستم و بی‌عدالتی اقتصادی، توجه به جنبه‌های زیباشناختی و عاطفی، فعالیت‌های دسته‌جمعی مبتنی بر همکاری اجتماعی، توجه به خلاقیت و اهمیت دادن به گفت‌وگو، تأکید مریبان پست‌مدرن بر اهمیت کثرت‌گرایی و دیدگاه‌های دیگران، تقویت روحیه انتقادی، و تشویق آموزش گفت‌وگو محور می‌تواند از نکات مثبت و مورد توجه تربیت پست‌مدرن باشد.

می‌توان گفت سرمایه اجتماعی با کارکردش شناخته می‌شود که از آن جمله می‌توان به مقوله‌هایی مانند اعتماد، همکاری، همبستگی‌های گروهی، ارزش‌هایی همچون ترجم، دلسوزی و نوع‌دوستی اشاره کرد که اعتماد بارزترین و مشخص‌ترین آن‌هاست (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۰).

بنابراین، می‌توان با توجه به ویژگی‌های زبانی، فرهنگی، قومی، و اجتماعی موجود در ایران بعضی از مضامین پست‌مدرنیسم شامل روحیه انتقادی، احترام به اقلیت‌ها، انسان‌گرایی، توجه به دیگران و صدای دیگران، توجه به تفاوت‌ها را با نگاه به عنوان مظاهر سرمایه اجتماعی و ایجاد فرصت در این زمینه مورد توجه قرار داد. زیرا:

کشور ایران نیاز به انسان‌های فهیم، آگاه، و تربیت‌شده‌ای دارد که احترام به زبان عقیده، فرهنگ، نژاد و اقوام، و فرهنگ‌های متفاوت در کشور را تکریم و حرمت آن را پاس بدارد. اما بخشی از پست‌مدرنیسم، که از پیامدهای منفی آن تلقی می‌شود و مربوط به جنبه‌های اعتقادی و ارزشی و فرهنگی است، با آموزه‌های دینی ما سنخیتی ندارد و توجهی به آن نمی‌شود.

یافته‌ها

پست‌مدرنیست‌ها جایگاه معرفتی عقلی، ارزش‌های ذاتی و فطری، و همه واقعیت‌ها و ارزش‌ها را بر ساخته عوامل بیرونی و اجتماعی می‌دانند و آنان را بر نمی‌تابند. با الگوپذیری و هر نوع مرجعیت مخالف‌اند و هیچ جایگاه و شأنی برای الگوهای تربیتی و دینی در نظر نمی‌گیرند.

بر آزادی‌های فردی به عنوان مهم‌ترین اصل در تعلیم و تربیت صحه می‌گذارند و روش‌هایی مثل گفت‌وگو، هنجارشکنی- توجه مؤکد به استفاده از رسانه توجه به تفاوت‌های فردی، مسائل سیاسی و اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهند. به‌رغم نقاط قوت و ضد استکباری پست‌مدرنیست‌ها در ارتباط با تعلیم و تربیت ارزش‌ها همچون: ترویج روحیه ضد جهانی‌سازی، احقاق حقوق حاشیه‌نشین‌ها، توجه به اقلیت‌های قومی و نژادی و دیگر فرهنگ‌ها، به معرفت‌های یقینی، واقعیت‌های تکوینی و ارزش‌های والا و جاودانی اعتقادی نداشته و در باتلاقی از تضادها و تناقضات گرفتار شده‌اند.

بحث و نتیجه

در این مقاله تلاش شد تا حد ممکن با روش تعلیم و تربیت مورد نظر در این مکتب به صورت نقادانه حقایق ارائه شود. اندیشمندان و صاحب‌نظران پسامدرن با واکاوی و نقد نظرات صاحب‌نظران دوران مدرن که در بحران به سر می‌بردند سعی کردند قالب جدیدی از تربیت با روش‌های نوتربیتی، برنامه‌های درسی و آموزشی دانش‌آموز محور، توصیه به آموزش گفت‌وگو محور، توجه به روابط انسانی، تفکر انتقادی، اخلاق انسانی تدریس دموکراتیک را عرضه کنند و افق تازه‌ای را برای جوامع غربی فراخور اعتقادات و فرهنگ موجود در غرب روشن سازند. از نقاط قوت پست‌مدرن در رابطه با تعلیم و تربیت ارزش‌ها مواردی از جمله ترویج روحیه ضد جهانی‌سازی و مبارزه با سلطه فرهنگی غرب، تأکید بر احقاق حقوق حاشیه‌نشین‌ها، توجه جدی به نقد و گفت‌وگو و تفاوت‌های فردی دیگران، تأکید بر رواداری نسبت به نظرات مخالف مد نظر می‌باشد. در ادامه از نقاط ضعف

پست‌مدرن می‌توان به مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، و ... اشاره کرد که با تعلیم و تربیت اسلامی و فرهنگ دینی ایران هیچ‌گونه سنخیتی ندارد. اما از آنجا که موج اندیشه‌های پست‌مدرن به فراتر از غرب و دیگر کشورها از جمله کشور ما نیز رسیده است در نهایت این یافته حاصل شد که آشنایی با آموزه‌های تربیتی پست‌مدرن و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن می‌تواند برای آگاهی و آمادگی مربیان و متربیان در مواجهه با این پدیده موثر باشد و بر غنای دانش و اطلاعات آنان در ارتباط با مسائل کلی تعلیم و تربیت از منظر پست‌مدرن و دیگر مکاتب فلسفی موجود در جهان بیفزاید.

منابع

- ابراهیم خانی، معصومه و عجم، مهدی (۱۴۰۱). نقد و تحلیل مؤلفه‌های معرفت‌شناسی مکتب پست‌مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن در آموزش و پرورش. *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، سال ۵، شماره ۵۱، شهریور ۱۴۰۱
- ابراهیمی، جواد و طرقي، مجید (۱۳۹۷). تربیت اجتماعی از منظر فقهی مبتنی بر نظام قواعد فقهی. *مطالعات فقه تربیتی*، سال ۵، شماره ۹.
- آرین، هادی و پورشافی، ناهید (۱۳۸۸). پست‌مدرنیسم و دلالت‌های آن در تربیت دینی. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۲، ۵-۶۰.
- اوزمن، هوارد آ. و کراور، سمونل ام. (۱۳۸۶). *فلسفه تعلیم و تربیت و چالش پست‌مدرنیسم، زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب*. مترجم: سعید بهشتی. تهران: اطلاعات.
- بانکی‌زاده، زهرا؛ حسامی کرمانی، منصور و زاده محمدی، علی (۱۴۰۰). *پست مدرنیست و تاثیر های آن در هنر درمانی، نشریه هنرهای زیبا، هنر های تجسمی، دوره ۲۶، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، ۱۰۵-۱۱۴*
- بهشتی، سعید (۱۳۸۹). کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام. *روان‌شناسی تربیتی*، دوره ۶، شماره ۱۸.
- پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ صفائی‌مقدم، مسعود و نجاریان، پروانه (۱۳۸۱). مضامین پست‌مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن. *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران/هواز*، دوره ۳، سال ۹، شماره‌های ۱ و ۲.
- رهنما، اکبر و ذوالفقاری، زهرا (۱۳۹۵). تربیت اجتماعی دانش‌آموزان از منظر فلسفه تربیتی دموکراتیک و ایدئولوژیک (شباهت‌ها و تفاوت‌ها). *هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران*، ۱۴۹-۱۵۷.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *فلسفه جدید تربیت*. تهران: اطلاعات.
- فرمبهینی‌فراهانی، محسن (۱۳۸۹). *پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت*. تهران: آبیژ. چ ۲.
- کشاورز، یوسف (۱۳۹۱). جهانی شدن و ضرورت آموزش‌های شهروندی جهانی. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۶(۳)، ۱۷۹-۱۹۴.
- گوتک، جرال دال. (۱۳۹۶). *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی*. مترجم: محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران: سمت. چ ۱۷.
- لوسی، نایل (۱۳۹۹). *فرهنگ واژگان دریدا*. مترجم: مهدی پارسا. تهران: شوند.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۷). *ژان فرانسوا لیوتار و پیدایش علوم اجتماعی پست مدرن: خاستگاه نظری*. مبانی پارادایمیک، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، ۲۹-۸۲
- محسنی، محمدآصف (۱۳۹۲). بررسی و نقد نگاه پست‌مدرنیسم به تعلیم و تربیت ارزش‌ها. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال ۵، شماره ۱، ۲۵-۵۲.
- مصطفی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸). ضرورت‌های آموزش چندفرهنگی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال ۱۶، دوره ۲، شماره ۳۳، ۲۰-۳۵.
- مرادی، عباس (۱۳۹۴). بررسی امکان پذیرش مفهوم شهروند جهانی در نظام حقوقی ایران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه قم. دانشکده حقوق.
- ملاسلمانی، فرشته (۱۳۹۰). مفهوم تربیت اجتماعی و مبانی آن از دیدگاه امام سجاد. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۸۹، ۱۱۹-۱۳۴.
- میرلوحی، حسین (۱۳۷۶). دیدگاه‌های تربیتی مبتنی بر نظریه انتقادی. *تعلیم و تربیت*، شماره ۴۹.
- نادری، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای مفهوم کمال انسانی از منظر پست‌مدرنیسم و اسلام و دلالت‌های تربیتی آن. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- نجاتی موسوی، سیدحسین؛ چراغیان، جعفر؛ عبدالخانی، علی و حمادی، حمید (۱۳۹۴). نقش فلسفه آموزش و پرورش در تربیت انسان فرهیخته از منظر پست‌مدرنیسم. *دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲۸۱-۲۹۰.
- نوذری، حسین علی (۱۳۹۶). *پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم*. تهران: نقش جهان.
- Ahanchian, M. (2006-7). Academic decline and its relationship with the philosophical foundations of modern education. *Journal of Psychology & Education*, 36 (3 & 4). (in Persian)
- Ahmad Khani, S. (2019). The role of the teacher in the development of learners. *journal of Afagh*, (28), 8. (in Persian)
- Beheshti, S. (2010). Investigations on the philosophy of religious education from Islam's viewpoint. *Quarterly Educational psychology*, 6(28). (in Persian)
- Ebrahimi, J. & Toroghi, J. (2018). Social education from a jurisprudential perspective based on the system of jurisprudential rules. 5(9). (in Persian)
- Farmahini Farahani, M. (2010). Post modernism and education, (2). (in Persian)
- Gutek, G. M. (2017). *Philosophical and ideological perspectives on education*. Translated by M.J. Pak-Seresht. Tehran: Samt.

- Hirst, H., White, P. (1998). Philosophy of Education: Major Themes In The Analytic tradition. Vol. 4. London: Routledge. pp. 199-210. (in Persian)
- Rivelli, S. (2010). Citizenship education at high school: A comparative study between Bolzano and Padova (Italy). *Journal of social and Behavioral sciences*, (z): 4200-4207.
- Mirlohi, H. (1997). Educational perspectives based on critical theory. *The quarterly Journal of Education*, 49. (in Persian)
- Najarian, P., Pak-Seresht, M.J., & Safaei Moghadam, M. (2002). Postmodernism Themes and their Educational Implications. *Psychological Achievements*, 9(1), 89-106. (in Persian)
- Nejaty Mousavi, H., Cheraghian, G., Abdolkhani, A., Hemadi, H., (2015). The role of the philosophy of education in the education of an educated person from the point of view of postmodernism. *Second National Conference on Psychology and Educational Sciences*, 281-290. (in Persian)
- Noddings, N. (1995). Philosophy of Education, Stanford University, Westview Press, A Member of Perseus Books, L.L.C. Published in United States of America.
- Nozari, H. (2017). Post modernity and Post Modernism. Tehran: Naghshe Jahan. (in Persian)
- Ontas, T., Eguz, S., & Qildirl, M.E. (2020). Reflections of potieical Education on primary Education classes. *International online Journal of Educational sciences*, 12(2).
- Ozman, H. A. & Craver, S. M. (1995). Philosophy, Education and the Challenge of Postmodernism. In philosophical Foundations of Education. New Jersey: Simon Schoxter. 361-386.
- Rahnama, A. & Zolfaghari, Z. (2016). Social education of students from the perspective of democratic and ideological educational philosophy (similarities and differences). *presented at the 7th National Conference of the Philosophy of Education Association of Iran*. 49. (in Persian)
- Shoari Nejad, A. (2009). *The new philosophy of education*. Tehran: Etelaat. (in Persian)